

بررسی مباحث نوظهور در ذبح شرعی با ابزار جدید

محمد بهرامی خوشکار^۱

محمد حسین محمدی^۲

چکیده :

دردین مبین اسلام ذبح حیواناتی که می توانند در تغذیه انسان مورد استفاده قرار گیرند شرایطی دارد که بر اساس مصالح خاص خود تعیین گشته اند و نیز به جهت توسعه گسترده جامعه انسانی ابزار و روش های نوینی در سطح کلان و در راستای دستیابی سریع و آسان به مواد گوشتی ابداع گردیده اند. بنابراین یکی از حساس ترین مسائل مورد ابتلای جامعه مساله انطباق موازین شرعی بر این ابزار و روشها می باشد. در این تحقیق با هدف تدقیق و بررسی این موضوع، مباحثی در باب: کشتار با دستگاه و عدم استناد آن به انسان، شرط استقبال در ذبح با ابزار جدید، بیهوش کردن حیوان قبل از ذبح و کیفیت ادای تسمیه که موجب تشکیک متدینین جامعه است، مطرح و با استناد به آیات، روایات و نظرات فقهای معظم متقدم و متاخر در صدد روشن شدن این موارد برآمده ایم.

کلید واژه: ذبح، ابزار جدید، شرع

^۱ - عضو هیأت علمی مدرسه عالی شهید مطهری و استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری

^۲ - دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد

شهرری

مقدمه:

دین مبین اسلام آیینی همساز با فطرت انسانی است و مهم ترین رسالتش تامین نیازهای دنیا و آخرت انسان هاست و به این مهم اهتمام در خور توجهی نموده و برای رفع این نیاز برنامه و راه حل های گوناگونی را ارائه کرده است و فقه آن از سرچشمه وحی جوشیده و در دامن پاک اهل بیت «علیهم السلام» رشد و نمو پیدا کرده است. از برجستگی های فقه شیعه جامعیت و فراگیری آن است، به گونه ای که برای تمام ابعاد زندگی اجتماعی، دنیوی و اخروی آدمی حرف و برنامه و قانون دارد و برای تحصیل این همه کافی است عالمان دینی با ذهنی جهان نگر و تلقی صحیح از رسالت دین و آگاهی همه جانبه از نیازها و پرسش های نو پیدا سراغ این ذخیره عظیم و ماندگار خاندان اهل بیت «علیهم السلام» بروند. بی گمان مسئله تغذیه هم در کتاب آسمانی ما مسلمانان به آن توجه خاص شده است (از باب نمونه در قرآن بیش از ۴۸ بار کلمه طعام و مشتقات آن و بیش از ۶۲ بار کلمه رزق و مشتقات آن بکار رفته است) و هم از دغدغه های اساسی و بنیادین جهان معاصر به شمار می رود به گونه ای که بسیاری از مشکلات، اختلافات و خونریزی ها بر این محور می چرخد و از سویی بحران ناشی از آن نیز روز به روز دامن گیر تر می شود. پر واضح است تامین مواد پروتئینی (گوشت و فرآورده های آن) بخش عظیمی از مسئله تغذیه را تشکیل می دهد. بی شک گوشت و فرآورده های آن از مهم ترین مواد تامین کننده غذای انسان ها به شمار میرود. این ماده از ضروری ترین مواد غذایی است زیرا نقش اساسی را در رشد انسان ها داشته و نبودن آن موجب پی آمدهای ناگوار و سوء تغذیه می شود و تنها منبع تهیه این ماده، حیوانات هستند. از گذشته های دور پرسش هایی در باره چگونگی و شرایط استفاده از گوشت حیوانات

جهت تغذیه سالم مطرح بوده و پیشرفت صنعت و زیادی جمعیت نیز سئوالات جدی تری را پیش روی ما قرار داده است. گرچه در احکام و دستورات فراوان فقهی در بیش از دهها کتاب و صدها آیه و روایت پیرامون شرایط حلال و حرام بودن گوشت ها وجود دارد که نشانگر نگاه واقع بینانه اسلام به مسئله مهم گوشت خواری است. در این نوشتار، هدف، بررسی حکم به کارگیری ماشین در ذبح و بحث از حرمت آن به صورت شبهه حکمیه نیست، بدین گونه که توهم حرمت استفاده از دستگاههای پیشرفته در ذبح وجود داشته باشد زیرا بحث از شبهات حکمیه توسط فقهای معظم به تفصیل بیان شده است. بلکه مقصود بررسی وجود شرایط حلیت حیوان در صورت ذبح با ابزار پیشرفته و سریع است چرا که برخی از صاحب نظران و متدینین جامعه چنین ذبیحه ای را از آن جهت که فاقد شرایط حلیت است مورد اشکال قرار داده اند. ما در اینجا برخی از مشکلات ممکن را به بوته نقد و بررسی می نهیم:

مبحث نخست: لزوم استناد ذبح به انسان

اولین اشکال، از ناحیه اعتبار استناد ذبح به انسان است. می گویند: تردیدی نیست که ذبیحه، آن گاه حلال است که کشتن آن، مستند به انسان باشد. آیات و روایات بر این مطلب، دلالت دارند.

مستندات:

آیات

خداوند، در قرآن می فرماید:

«حرمت علیکم المیتة و الدم و لحم الخنزیر و ما اهل لغیر الله به و المنخنقة و الموقوذة و المتردیه و النطیحة و ما اکل السبع الا ما ذکیتم و...» (سوره مائده، آیه ۳) حرام شد بر شما،

مردار و خون و گوشت خوک و هر حیوانی که به هنگام کشتن، نام دیگری جز خدا را بر او بگویند و آنچه خفه شده باشد، یا با سنگ زده باشند، یا از بالا افتاده باشد، یا به شاخ حیوان بمیرد، یا درندگان از آن خورده باشند، مگر آن که ذبحش کنید. استثناء «الا ما ذکیتم» بعد از انواع مرگهای غیر مستند به انسان، ظهور در این دارد که تذکیه، باید مستند به انسان باشد، حالا خواه جمله را استثناء از همه موارد مذکور بدانیم، یا از خصوص نیم خورده درندگان. یعنی حیوان نیمه جان، در صورتی حلال است که به دست شما تذکیه گردد. شاید، مقصود آیه شریفه، که درباره سگهای شکاری، می فرماید: «فکلوا مما امسکن علیکم» : بخورید از آنچه برایتان نگه داشته اند. نیز همین باشد که سگهای شکاری، به خاطر آموزش و تربیتی که شده اند، صید را برای صاحبشان نگه می دارند: (امسکن علیکم) در نتیجه، صید نیز مستند به انسان می شود. پس هم در ذبیحه و هم در صید، استناد به انسان لازم است. از روایات بسیاری، همین مضمون استفاده می شود که برخی از آنها صحیحه اند. (وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۳۳۲، باب ۱۹ از ابواب ذبایح)

روایات

مضمون این روایات، چنین است: خروج روح حیوان، به خودی خود، از بدنش، یا به وسیله حیوان دیگر، حتی اگر گلویش بریده شود و خونش بریزد، کافی نیست، مگر این که انسانی آن را زنده دریابد و ذبح کند. بنابراین، در شرط بودن استناد ذبح به انسان، تردیدی نیست، همچنان که در ذبح با ماشین و ابزار پیشرفته، استناد ذبح به ماشین و ابزار، نه به انسان، تردیدی نیست. در نتیجه، مرگ حیوان، مستند به ابزار است، نه به انسان. و مصداقی خواهد بود.

بررسی

در این که انسان ذبح را با ابزار انجام می دهد، تردیدی نیست. اشکال ناقد، از این جا نشات می گیرد که پنداشته، استفاده انسان از ابزار پیشرفته و پیچیده در ذبح، موجب سلب استناد آن به انسان می گردد و حال آن که چنین نیست. در استناد یک عمل به فاعل مختار، کافی است میان او و اراده اش، اختیار و اراده دیگری واسطه نگردد و تحقق عمل، وابسته به اراده او باشد. کم و زیاد بودن فاصله زمانی میان کار ارادی او، و نتیجه کارش در استناد نتیجه به او تاثیری ندارد، چنانکه وجود واسطه های تکوینی، نقشی ندارند، از این روی، اگر کسی، با پیشرفته ترین ابزار، کسی را بکشد، قاتل به شمار می آید و در استناد قتل به او، همانند کسی که با ابزار ساده، مانند: چاقو و کارد، کسی را می کشد، تردیدی نیست. اگر گفته شود: تفاوت است میان کشتن و بیرون رفتن روح با تحقق عنوان ذبح که کشتن مخصوص است؛ زیرا در قتل، هر نوع ابزاری برای استناد عمل به فاعل کافی است ولی در ذبح، باید کارد را بر محل مخصوص نهاد و رگها را برید. این عمل، ناگزیر دخالت مستقیم انسان را می طلبد. باید گفت: ذبح، چیزی جز اخراج روح حیوان از راه بریدن رگهای گردن نیست، خواه این عمل با ابزار ساده، مانند: چاقو صورت گیرد، یا با ماشینهای پیچیده و ابزار پیشرفته. آنچه مهم است این که: باید این عمل، به اراده و اختیار انسان تحقق یابد. اگر گفته شود: اطلاعات ذبح، انصراف دارد به صورتی که ذبح، با دخالت مستقیم دست انجام گیرد؛ زیرا در زمان صدور این ادله، روشی غیر از این نبوده است و یا ادعا شود با امکان اعتبار دخالت مستقیم دست در ذبح، اساسا ادله اطلاق ندارند. پاسخ: از مطلب اول این که کثرت یک مصداق، مانند: ذبح با دست، موجب انصراف اطلاعات نمی شود. از مطلب دوم این که: وجهی برای تقیید ذبح با دخالت مستقیم

دست نیست. به ویژه در روایاتی که موضوع حکم را عنوان: «ذبح»، یا «ذبیحه مسلمان» قرار داده است (هاشمی، سید محمود، فقه اهل بیت (ع)، ص ۳۸)

مبحث دوم: کیفیت ادای ذکر نام خدا (تسمیه)

ادای تسمیه برای ذبح همزمان چند حیوان

در عصر صنعت، حل محدودیت زمان و گسترش ظرفیت و گنجایش آن با افزونی سرعت، از اهداف جوامع پیشرو و در حال توسعه می باشد. امروزه در ذبح با دستگاه به خصوص برای کشتار مرغ، در عرض چند ثانیه، چندین حیوان با هم ذبح می گردند، به گونه ای که ادای تسمیه برای هر یک عملاً میسر نبوده یا معسر است. آیا از نظر فقهی، یک تسمیه برای ذبح همزمان حیوانات متعدد، کفایت می نماید؟

به نظر نگارنده در این مسئله میان دو صورت: تدریجی بودن ذبح و دفعی بودن آن تفصیل وجود دارد. اگر دستگاه طوری باشد که حیوانات متعددی به تناوب و با فاصله و ترتیب، ذبح شوند، برای هر حیوان، یک تسمیه لازم است، اما اگر یک جا باشد، یک تسمیه برای همگی کفایت می نماید. دلیل عدم کفایت در حالت اول، این است که ذابح به هنگام ذبح حیوان دوم (طبق فرض) دیگر تسمیه نمی گوید و تسمیه اول منفصل از ذبح دوم محسوب می گردد، و مقتضای ظهور ادله وجوب تسمیه، لزوم تقارن تسمیه و ذبح است.

امام صادق (ع) می فرماید: «کسی که به هنگام ذبح، تسمیه نگوید، پس آن (ذبیحه) را مخور. دلیل صورت دوم و کفایت یک تسمیه برای ذبح دفعی حیوان، اقتضای اطلاق آیات و روایات، و صدق عرفی ذکر اسم الله بر این ذبائح است و دلیلی بر اشتراط تسمیه ای خاص برای هر ذبیحه، در چنین موردی وجود ندارد.

آیه‌الله سیدمحمود هاشمی در مورد ذبح چند حیوان، حتی در صورت تدریجی بودن آن قائل به اکتفای یک تسمیه شده اند:

در اثبات کافی بودن یک بار ذکر نام خدا می توان گفت: راه اندازی دستگاه، آغاز ذبح همه حیوان هایی است که در آن قرار دارند. اگر ذبح کننده، به قصد ذبح همه حیوان های موجود در دستگاه، آن را روشن کند، و نام خدا را به همین منظور بر زبان آورد، در واقع بر همه آن ها نام خدا گفته شده است، و مصداق (مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ) انعام (۶) آیه ۱۱۸). (ما أَهْلًا لِلَّهِ) قرار گرفته اند، هر چند ذبح مرغ ها تدریجاً و به ترتیب انجام پذیرد، زیرا عمل اختیاری ذبح کننده، با راه اندازی دستگاه انجام گرفت و آخرین بخش از کار بود که صورت پذیرفت و همان هنگام هم باید نام خدا را بر زبان آورد، نظیر فرستادن سگ شکاری، که تنهابه هنگام ارسال، نام خدا برده می شود، آن هم یک بار، هر چند شکارها متعدد باشند. البته احتیاط رعایت گردد. (فقه اهل بیت، ش ۱، ص ۵۲)

نکته: البته در قرآن چنین است (و ما اهلٌ به لغير الله) (بقره ۲) آیه ۱۷۳) یا (اهلٌ لغير الله به) (انعام) (۶) آیه ۱۴۵ و مانده (۵) آیه ۳ و... یعنی آنچه برای غیر خدا از بت ها ذبح شود. ایشان در واقع از قرآن اقتباس کرده اند.

نقد و بررسی

از آن جا که در این بحث، زاویه نگرش وجود دارد، سخن ایشان می تواند قابل توجه باشد، زیرا مناط اصلی در این عرصه، حصول تقارن میان زمان ذبح و تسمیه است و با یک کلی نگری در بُعد وسیعی از زمان، می توان ادعا کرد که در صورت تدریجی بودن ذبح ها نیز، یک تسمیه اولیه به هنگام شروع کار دستگاه، با آن ذبح ها، متقارن محسوب می گردد. اما همان گونه که دقت و ظریف بینی عقلیه، در احکام شرعیه و صدق عناوین آن ها راهی ندارند، مسامحات عقلی نیز در صورت ملاک

بودن صدق عرفی، مشکلی را حل نمی کند و عنان موضوعات و تعیین آن ها به دست عرف و فهم عرفی سپرده شده است. در این مقام، در صورت وجود فاصله زمانی میان ذبح ها، هرچند که اندک باشد، عرف عام، تسمیه اول را متقارن با ذبح های بعدی نمی داند.

شاهد این ادعا، آن است که اگر ذابحی، به طور سنتی و با یک کارد تیز و با چالاکتی، چندین حیوان را پیاپی ذبح کند و فقط برای حیوان اول تسمیه بگوید، عرفاً برای حیوان دوم، سوم و... تسمیه نگفته است، اما در صورتی که ذبح ها در یک زمان کاملاً یکسان انجام نپذیرد و فاصله بسیار نباشد، بلکه پیاپی و با سرعت انجام پذیرد به طوری که در مدت ادای تسمیه حداقل دو یا سه حیوان ذبح شوند، چنین حالتی مشمول تقارن عرفی میان تسمیه و ذبح بوده و اشکالی ایجاد نمی کند. البته قیاس احکام ذبح به صید جز در مواردی که مناط، منصوص یا منقح و یقینی باشد صحیح نیست و احکام این دو، گاه تباین کلی با یکدیگر دارند، مثلاً فقها اصراری بر آهنی بودن وسیله شکار ندارند یا ضرورتی ندارد که صیاد ماهی، مسلمان باشد یا تسمیه بگوید، بلکه تذکیه اش، از آب گرفتن ماهی و در بیرون آب، جان دادن است. بنابراین حکم به تفصیل، فصل نزاع می نماید. (جواهر الکلام، ج ۳۶، ص ۱۱؛ الدروس الشرعیه، ج ۲، ص ۳۹۷ و ۴۰۷)

ذابح در ذبح با دستگاه و شرط تسمیه

روشن است که در مورد دستگاه های پیشرفته و پیچیده کشتارگاه های صنعتی، افراد متعددی در مراحل کشتار، نقش دارند، مثلاً شخصی با فشار دادن دکمه ای، دستگاه را به کار می اندازد و شخص یا اشخاصی حیوانات را در قسمت های مخصوص می گذارند، در نهایت، افرادی، گردن آن ها را زیر تیغه های برش قرار می

دهند. از این رو، جای این پرسش است که ذبح با دستگاه، تکلیف تسمیه بر عهده کیست؟ آیا همگی باید تسمیه بگویند یا هر یک از آن‌ها می‌تواند این وظیفه را به عهده گیرد؟ یا آن که ذابح اصلی باید شناسایی شده و ذکر نام خدا را به زبان آورد؟ در این بحث اگر فقیهی بخواهد سخت‌گیری نماید، فتوا به لزوم ادای تسمیه توسط همه دست‌اندرکاران این گونه دستگاه‌ها که در مراحل مختلف ذبح نقش دارند، خواهد داد؛ زیرا همگی، جزئی از علل و اسباب وقوع ذبح به شمار می‌آیند، اما اگر فقیهی بخواهد به تسمیه یکی از آن‌ها بسنده کند، دست کم، سه مطلب را در نظر خواهد داشت:

۱. تعیین ذابح؛

۲. لزوم اتحاد ذابح و مسمی؛

۳. تقارن ذبح و تسمیه

درباره امر اول، از آن‌جا که در فرض مسئله، با تعدد علل و اسبابی که همگی، فاعل دارای اراده و اختیار محسوب می‌شوند مواجهیم. علت تامه و اصلی فعل، کسی است که مباشر جزء اخیر در ذبح باشد. از این رو در صورتی که چگونگی کار دستگاه طوری باشد که ابتدا حیوان را در جای مخصوص می‌بندند و در نهایت با دکمه راه اندازی، دستگاه را روشن کند تا حیوان ذبح شود، امور دیگر، مقدمات ذبح محسوب شده و ذابح نهایی و اصلی کسی است که دکمه را فشار می‌دهد. اگر کار به شکلی است که ابتدا فردی، دستگاه را روشن کرده، سپس دیگری حیوان را زیر تیغه برش قرار می‌دهد، ذابح اصلی و نهایی همین فرد خواهد بود. (فقه اهل بیت، ش ۱، ص ۵۱)

درباره امر دوم، همان‌گونه که در بحث حکم تسمیه با ضبط صوت گذشت، براساس ظواهر نصوص و نصوص فتاوا، گوینده تسمیه باید ذابح باشد و ادای آن

توسط دیگری مجزی نمی باشد؛ از این جهت شناخت ذابح واقعی، در فرض مسئله اهمیت می یابد (وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۶۵، ح ۱، و سخن علامه حلی در قواعد ص ۱۵۳)

در مورد امر سوم (تقارن ذبح و تسمیه) مقارنت عرفی میان تسمیه و ذبح ضروری است و مابیه روایت امام صادق (ع) استناد نموده ایم که حضرت می فرماید: «کسی که به هنگام ذبح تسمیه نگوید، آن را مخور». (وسائل الشیعه، ج ۱۶، ب ۱۵، ح ۶، ص ۲۶۸)

در نگاهی دقیق، فاصله زمانی در ذبح با دستگاه، میان اشتغال به کار (راه اندازی دستگاه) و مرحله قطع رگ ها، بیش از فاصله مذکور در ذبح با کارد (به طور سنتی) است در ذبح با کارد، فاصله بسیار اندک و تقریباً بدون فاصله است، اما ملاک عمل، هم زمانی عرفی است و عرف این مقدار فاصله را خارج از تقارن نمی داند. پس از بررسی این سه مطلب، به این نتیجه می رسیم که در فرض مسئله، ذابح واقعی (کسی که آخرین مرحله از عملیات ذبح را به عهده دارد) باید تسمیه را ادا کند.

تعدد ذابح و شرط تسمیه

اگر آخرین مرحله کار، توسط چند نفر انجام پذیرد و ذابح متعدد گردد، آیا تسمیه یکی از آنان کفایت می نماید؟

در چنین فرضی از سویی اطلاق دلیل، مقتضی کفایت است. خداوند می فرماید: «از آن چه نام خدا بر آن برده شده، بخورید» (انعام (۶) آیه ۱۱۸). در بحث حاضر، با تسمیه یک نفر، ذکر نام خدا مصداق می یابد؛ بنابراین مانعی از جواز اکتفا به آن به نظر نمی رسد. از این رو آیه الله هاشمی می نویسد:

اگر آخرین بخش کار توسط چند نفر انجام می گیرد، ذکر نام خدا توسط یکی از آنان کفایت می کند؛ چون تمامی این افراد در انجام ذبح، همکاری دارند و با ذکر نام

خدا توسط یک نفر از آنان، عنوان ذکر نام خدا به هنگام ذبح تحقق می یابد و مصداق (کلوا مما ذکر اسم الله علیه) خواهد بود (فقه اهل بیت، ش ۱، ص ۵۰).

از سویی می توان ادعای انصراف ادله مذکور به ذابح واحد نموده و در استفاده اطلاق از ظاهر آن ها خدشه نمود و لااقل شک در صحت تذکيه، در صورت نگفتن تسمیه توسط بعضی از ذابحان، وجود داشته و اصالت عدم تذکيه، جریان یافته و احتیاط ضروری خواهد بود. چه بسا نظر صاحب جواهر، معطوف به این امور بوده که نوشته است:

... در اجزاء به تسمیه یکی از دو ذابح مسلمان (در یک ذبح) احوط و اقوی، عدم کفایت است. (جواهر الکلام، ج ۳۶، ص ۱۱۶). با تمام این تفصیل، در مورد ادعای انصراف می توان گفت: چنین انصرافی ناشی از کثرت وجود ذبح توسط ذابح واحد یا کثرت استعمال ناشی از کثرت وجود ذبح مذکور است؛ در نتیجه خدشه ای به استفاده اطلاق از ظواهر ادله مطلقه وارد نمی کند. براساس قاعده عقلی قبح عقاب بلایان یا حدیث شریف «رفع» در موارد شک در جزئیت و شرطیت، بر اساس مبنای برتر شیخ اعظم، اصالة البرائة جریان می یابد (فرائد الاصول، ص ۲۳۸).

در فرض مسئله، اصالة البرائة از لزوم ادای تسمیه توسط همه ذابحان، جریان خواهد داشت و اصالت عدم تذکيه بر مبنایی مورد تمسک قرار می گیرد که تذکيه، امری بسیط (مسبب شرعی) که شارع پس از تحقق اعمال و شرایط مخصوص، آن را اعتبار می کند، تلقی گردد، در حالی که تذکيه بر مبنای درست تر و اصح، عبارت از اسم برای ترکیب اعمال مخصوص در ظرف قابلیت حیوان جهت تذکيه می باشد. البته بر این اساس، اصالة الصحة به انضمام اعمال مذکور که بالوجدان محرز گشته اند، جریان می یابد... با این همه رعایت احتیاط و ادای تسمیه توسط همه ذابحان (به

ویژه که مشقت خاصی در بر ندارد) به راه صواب و رضایت خداوند رزاق، نزدیک تر می باشد. (فوائد الاصول، تقریرات شیخ محمد علی کاظمی خراسانی، ج ۱۳، ص ۱۳۹)

حکم تسمیه با ضبط صوت

از جمله مباحث نوظهوری که در مورد ذبح مطرح شده است، تسمیه با ضبط صوت یا نوشتن آن بر دستگاه می باشد. محمد حسین فضل الله می نویسد: (الصید و الذبائح، ص ۲۳۲)

تسمیه با زبان، شرط نشده است؛ زیرا به هنگام ذبح، صدور تسمیه با لفظ، مدخلیتی ندارد. بنابراین اگر ذابح، حیوان را برای ذبح آماده نموده و برای مثال، دستگاه ضبط صوتی را روشن نماید و حیوان را ذبح کند و دستگاه، نام خدا ببرد به نحوی که با این امر، قصد حصول تسمیه بر ذبیحه نماید، مانعی ندارد؛ زیرا تسمیه به هنگام ذبح، محقق گردیده است. بازگشت مسئله در این جا به حصول صدق عرفی در تحقق تسمیه می باشد. از این رو، در این مقام، لفظ خصوصیتی ندارد، اما سزاوار است در این امر احتیاط شود.

در مقابل آمده است:

نوشتن نام خدا بر دستگاه یا پخش آن به وسیله ضبط صوت، کافی نیست؛ زیرا ذابح، باید نام خدا را بر زبان بیاورد، آن هم با توجه و قصد. در غیر این صورت، ذبیحه حلال نخواهد بود؛ زیرا عنوان ذکر اسم خدا بر آن صادق نیست. بنابراین، نوشتن و یا پخش با ضبط صوت، بدون شک کفایت نمی کند (فقه اهل بیت، ش ۱، ص ۵۲)

هر دو طرف در این قضیه، مطلب را به اجمال آورده، برای اثبات مدعای خویش، کم تر به استدلال پرداخته اند. ما بدون جانبداری، در اقامه دلیل برای هر یک از این دو مدعا تلاش کرده و با رعایت انصاف، به نتیجه گیری می پردازیم:

ادله عدم جواز تسمیه با ضبط صوت

اولاً، در صدق تسمیه با ضبط صوت، صحت سلب عنوان تسمیه، جریان دارد و چنین ذبیحه ای مشمول تحریک آیه و روایت ذیل خواهد بود: «از آن چه نام خدا بر آن برده نشده مخورید.» (انعام، آیه ۱۲۱)

امام صادق (ع) می فرماید: «هر که به هنگام ذبح تسمیه نگوید، پس آن را مخور.» (وسائل الشیعه، ج ۱۶، باب ۸۵، ص ۳۶۸، ح ۶)

ثانیاً، ادله تذکیه و لزوم شرطیت تسمیه، مربوط به ذابح و مُذکّی بوده و ظهور در اتحاد ذابح و مسمّی (تسمیه گوینده) دارند. خداوند می فرماید: (إِلاّ ما ذکّیتُم) آیه تذکیه و عملیات آن را به مخاطبان اسناد و نسبت می دهد. امام باقر (ع) می فرماید:

هر گاه ذبیحه ای را ... نیکو و درست ذبح نمودی ... پس بخور (وسائل الشیعه، ص ۲۶۵، ح ۱)

از همین رو فقها، تعدّد ذابح و تسمیه گوینده را نپذیرفته اند. علامه حلی می نویسد:

واجب است که تسمیه توسط ذابح ادا گردد، بنابراین اگر شخصی غیر از ذابح، تسمیه را بگوید، حلال نخواهد بود (قواعد الاحکام، ص ۱۵۳)

در نتیجه، تعدّد ذابح و مسمّی در صورتی که تسمیه با ضبط صوت باشد، به طریق اولی پذیرفته نمی شود

ثالثاً، در صورت ادعای مطلق بودن ادله وجوب تسمیه، نسبت به لزوم مباشری بودن آن، می گوئیم: در تمامیت مقدمات حکمت و استفادۀ اطلاق از ادله به ظاهر مطلق، بایستی قدر متیقّن در مقام تخاطب، وجود نداشته باشد و گرنه مولای حکیم می تواند در ادای مراد خویش، بر آن تکیه نماید.

آخوند خراسانی، بر این مطلب تصریح کرده اند؛ بنابراین با توجه به ظهور ادله، در تقیید تسمیه به گفتن توسط ذابح قاصد، نمی توان از آن ها نسبت به نحوه صدور و کیفیت قصد، استفاده اطلاق کرد (کفایه الاصول، ج ۱، ص ۳۸۴)

رابعاً، در مورد تسمیه با ضبط صوت، دست کم، احتمال عدم کفایت و اجزا وجود دارد. در چنین حالتی، اصالت عدم تذکیه جاری است. صاحب جواهر در بحث عدم اجزا و کفایت تسمیه اتفافی توسط ذابح که به قصد ذبح گفته نشده است، می نویسد: ... در حصول تسمیه معتبر که بدون قصد ذبح باشد، لااقل شک وجود دارد و این، مورد اصالت عدم تذکیه است (جواهرالکلام، ج ۳۶، ص ۱۱۵)

ادله جواز تسمیه با ضبط صوت

در باره قول به کفایت تسمیه توسط ضبط صوت می توان گفت: اولاً، از ادله شرطیت تسمیه برای تذکیه مشروع، چیزی بیش از صدق اسم الله و لزوم آن ثابت نمی شود و در عناوین شرعی، احراز صدق عرفی، کفایت می کند. در نتیجه چنین تسمیه ای مشمول این آیه خواهد بود: «از آن چه نام خدا بر آن برده شده است بخورید». (انعام، آیه ۱۱۸)

ثانیاً، قیاس تسمیه با ضبط صوت، به صورت تعدد ذابح و مسمی مع الفارق است؛ زیرا در حالت دوم، تسمیه شخص غیر ذابح، قابل استناد به تسمیه ذابح نیست. در صورتی که در حالت اول، این امکان وجود داشته و دستگاه مزبور مانند وسیله ای برای او محسوب می شود. چنان که اگر کسی با ضبط صوت، نسبت به دیگری، مرتکب قذف شود، عرفاً قذف، مستند به او خواهد بود و ادعای تعدد، صحت استناد را منتفی نمی کند. بنابراین، در این جا می توان گفت: چنین ذابحی، شرط تسمیه را رعایت کرده است.

ثالثاً، به هنگام شک در شرطیت و جزئیت چیزی برای یک امر واجب، براساس حدیث رفع و با قاعده عقلی «قبح عقاب بلا بیان». اصالة البرئه جریان می یابد. مسئله فرعی مورد بحث ما، از

مصادیق این مطلب اصولی است؛ زیرا در این جا، ادای تسمیه محرز است، اما به صورت غیرمباشری (غیرمستقیم) و بدون صدور از لسان ذابح. بنابراین، شک در تقید و اشتراط تسمیه به صدور مباشری از ذابح می باشد، و همان گونه که شیخ اعظم گفته اند:

هر گاه احتمال واجب بودن چیزی به جهت جزء یا شرط بودن، برای واجب دیگری برود... اصالة البرائة جریان می یابد(فوائدالاصول،ص۲۲۸)

رابعاً، اصالت عدم تذکيه در این جا بر مبنایی جاری می شود که تذکيه، عبارت از امری بسیط (مسبب عقلی یا شرعی) باشد که شارع پس از تحقق اعمال و شرایط، آن را در حیوان مُذکِّي اعتبار می نماید؛ در حالی که تذکيه، اسم برای ترکیب اعمال مخصوص (فَرِي اوداج و استقبال) در ظرف قابلیت حیوان برای تذکيه است. محقق نائینی می نویسد:

معنای دوم برای تذکيه (اسم برای اسباب بودن) خالی از قوت نیست؛ زیرا در این فرمایش الهی (إلا ما ذکیتم) تذکيه به انسان ها نسبت داده شده، و این نشانه آن است که تذکيه فعل آنان است(فوائدالاصول،ج۳،ص۱۳۹)

در چنین وضعی، به جهت وقوع قطعی و وجدانی ذبح، همچنین انضمام اصالة الصحة و الحلیة در فعل مسلمان، جایی برای اصالت عدم تذکيه باقی نمی ماند. تنها نکته مهم، قصد ذابح است که در دستگاه ضبط صوت، منتفی است و این مشکل با توجه و قصد ذابح به ذکر تسمیه، به هنگام پخش آن برطرف می شود.

بررسی ادلة مخالف و موافق در تسمیه با ضبط صوت

در بررسی جوانب این مسئله و مقایسه ادلة مذکور، استدلالها ظاهراً قوی و بر اساس مبانی اصولی، پی ریزی شده، ولی از آن جا که تسمیه، امری عبادی و مشروط به نیت

و قصد می باشد، رعایت احتیاط در ادای آن، توسط ذابح، ضروری به نظر می رسد و بعید است رعایت این امر، امروزه مستلزم تکلف، حرج و مشقتی باشد. با توجه به مباحث گفته شده، حکم تسمیه از طریق کتابت نیز روشن شده و اجزا و کفایت آن، به طریق اولی مورد خدشه قرار می گیرد؛ زیرا صدق عرفی تسمیه توسط ذابح بر آن منتفی بوده و شکی در صحت سلب عنوان ادای تسمیه از آن، باقی نمی ماند.

مبحث سوم : شرط استقبال در ذبح با ابزار جدید

یکی از مناقشاتی که در باب استقبال در ذبح با ابزار جدید وجود دارد این است که کشتار با دستگاههای جدید موجب عدم رعایت قبله از سوی ذابح خواهد شد و به همین دلیل شبهه عدم رعایت یکی از شروط ذبح شرعی وجود خواهد داشت ، گرچه این بحث ظاهراً ساده و کم اهمیت به نظر می رسد، اما در روش های پیشرفته ذبح و دستگاه ها، نتیجه ای مؤثر و کاربردی خواهد داشت؛ زیرا در دستگاه ها، روش های گوناگونی برای انجام عملیات ذبح و کشتار هست. بنابراین باید با دقت، این مبحث را پی گیری نماییم.

آنچه در استقبال، معتبر است، رو به قبله کردن مذبح یا جلوی گردن حیوان و مقادیم بدنش می باشد، هم چنان که ظاهر خبر اخیر، افاده می نماید(مسالك الافهام، ج ۱۱، ص ۲۷۶) مقصود ایشان از خبر اخیر روایت محمدابن مسلم از امام باقر (ع) است که می فرماید: هر گاه خواستی ذبح کنی ، ذبیحه ات را رو به قبله کن

فیض کاشانی در مفاتیح الشرایع (ج ۱۵، ص ۱۹۹) و طباطبایی در ریاض المسائل (ج ۲، ص ۲۷۳) و نراقی در مستند الشیعه (ج ۱۵، ص ۴۱۱) نیز این رأی را برگزیده اند. ظاهر سخن صاحب جواهر نیز همین است.

بعضی از فقها، استقبال مذبح (محل قطع رگ ها و جلوی گردن) را کافی می دانند. مقدس اردبیلی پس از طرح قول اوّل و دلیل روایی آن، به قول دوم پرداخته و نسبت به آن تمایل نشان داده است. ایشان می نویسند:

ممکن است، موضوع استقبال ذبیحه، با استقبال مذبح صرفاً حاصل گردد و اصل (برائت) و عدم وجود یک دلیل ظاهر در مورد اشتراط چیزی بیش از مذبح و صدق اجمالی استقبال در این صورت، مؤید این قول است علامه مجلسی پس از نقل سخن شهید ثانی در مسالک در مورد شرط استقبال و دلیل آن، می نویسند: (مجمع الفائدة و البرهان، ج ۱۱، ص ۱۱۴)

ظاهر آن است که استقبال به هر صورتی کفایت می کند و فرقی نمی کند ذبیحه را طرف راست بخوابانند یا چپ، چنان که (صورت اخیر) رواج دارد، یا اساساً حیوان را نخوابانند بلکه مقادیم و جلوی بدنش را در حالت ایستاده، رو به قبله نمایند، مانند پرنده، به دلیل اطلاق استقبال، که شامل همه این صورت ها می گردد. (بحارالانوار، ج ۶۲، ص ۱۸۳)

اکنون با یک نگاه کلی به محدوده این بحث، بایستی وارد مرحله استنتاج و نتیجه گیری شویم.

از روایات استقبال قبله استفاده می شود که رو به قبله بودن، عرفی است و مناسبت حکم (وجوب استقبال) و موضوع (ذبیحه به هنگام ذبح و سر بریدن) اقتضا می کند استقبال قبله مذبح کافی باشد، چون استقبال قبله به منظور ذبح است و ذبح، از مذبح انجام می گیرد، از این رو شرطیت استقبال قبله غیرمذبح، با اطلاق ادله، نفی می گردد و به فرض شک، برائت از وجوب استقبال قبله غیرمذبح جریان پیدا می کند. از طرف دیگر اصالة الحلیة و الصحّة نیز در صورت شک جاری اند. از این رو استقبال قبله

مقادیم بدن حیوان یا لزوم خواباندن آن به طرف راست یا چپ، واجب نیست. بنابراین ممکن است ذبیحه به طور عمود قرار گیرد و در حالی که مذبح رو به قبله است، ذبح شود. البته رعایت استقبال قبله دیگر اعضای بدن حیوان، موافق احتیاط است. چنین نتیجه ای، کار ذبح با دستگاه های جدید را بسیار آسان می کند؛ زیرا مثلاً در ذبح مرغ، پای مرغ، پای حیوان را به «نوار نقاله» بسته و آن را آویزان می کنند، یا در ذبح گاو، در مواردی به جهت سنگین بودن وزن بدن آن، جا به جا کردن تمام بدن برای استقبال کامل، سخت می باشد، اما سر و گردن حیوان رو به قبله گردانده شده و قابل ذبح خواهد بود.

جمع بندی

روایات باب استقبال، که حاوی امر به استقبال ذبیحه به هنگام ذبح هستند، ظهور در وجوب آن دارند. در بعضی روایات از خوردن ذبیحه ای که با علم و عمد، رو به قبله، ذبح نشده، نهی شده است. اما اهل سنت استفاده و وجوب نکرده، حمل بر استحباب نموده اند.

به نظر ما استقبال ذبیحه، شرعاً واجب بوده در صورت ترک آن، با علم عمد و اختیار، خوردن آن حرام خواهد بود. البته ترک استقبال به جهت فراموشی یا جهل به حکم یا موضوع و یا در صورت اضطرار، موجب حرمت نمی گردد.

فقهایی ما استقبال ذابح را در مشروعیت ذبح، شرط نکرده و در کیفیت استقبال ذبیحه، بعضی، رو به قبله کردن مذبح (محل بریدن رگ ها) را کافی دانسته اند

مبحث چهارم : بیهوش کردن حیوانات قبل از ذبح

یکی از موارد تشکیک در ذبح در کشتارگاهها، بی هوش کردن حیوان قبل از ذبح است. اگر چه ادله های فراوانی بدون اشکال بودن آن و حتی مستحب بودن آن

را اثبات می کنند ولی به جهت اینکه ممکن است در این روش به سبب ایجاد فاصله میان زمان بیهوشی و ذبح حیوان ، حیات حیوان دچار مشکل شود و این موضوع با اصل لزوم استقرار حیات قبل از ذبح که یکی از مصادیق ذبح شرعی است منافات دارد ، به همین دلیل به این مبحث پرداخته شده است

روش های بیهوش کردن

قبل از ورود به مباحث فقهی این مسئله ، بهتر است قدری مآخذ مستند مربوط به روش های بیهوش نمودن حیوان را که در کشور های پیشرفته دنیا به کار رفته و مورد توجه متخصصان است مورد توجه قرار دهیم :

دکتر صحت می نویسد (محمد حسین اصغری صحت ، روش های مختلف کشتارگاه گاو ، ص ۳، ۱۹، ۱۱) چنانچه دام در موقع کشتار مقاومت زیادی از خود نشان دهد ، در اثر فعالیت خسته شده و تغییراتی در لاشه دام به وجود خواهد آمد که این تغییرات از نظر رنگ ، طعم و مزه گوشت اثر خوبی نخواهد داشت . وقتی می توان به نتایج فوق رسید که کشتار با بیهوشی ، توام بوده و محل قطع گردن ، آلودگی حاصل ننماید . امروزه عمل کشتار در اغلب نقاط شامل بیهوشی با گیج کردن و خون گیری است ، ولی هنوز در بعضی از کشور های در حال توسعه و یا در نواحی دور افتاده ، کشتار بدون بیهوشی و گیج نمودن صورت می گیرد و فقط به سر بردن یا قطع عروق گردن ، محدود می شود ؛ به همین جهت ، روش کشتار را می توان به دو روش : کشتار بدون بیهوشی (روش قدیمی) و کشتار با بیهوشی یا گیج کردن تقسیم نمود . در روش دوم ابتدا دام را بیهوش می نمایند و سپس سر بردن و خون گیری انجام می شود. با کشف و اختراع لوازم مختلف جهت بیهوش نمودن دام ، تقریباً نظر مردم نسبت به کشتار پس از بیهوشی جلب شده بود ، ولی عده ای از روحانیون ، مخصوصاً روحانیون کلیمی مقیم

در کشور های اسکاندیناوی ، یکی از مخالفان کشتار حیوان با بیهوشی بودند . آن ها معتقد بودند که دام بیهوش شده به وسیله یکی از روش های بیهوشی مرده بوده و آن ها حیوان مرده را ذبح می نمایند و ذبح حیوان مرده هم از نظر مذهبی حرام است . از طرف دیگر طرفداران کشتار پس از بیهوشی روی عقیده خود پافشاری می نمودند ، تا آن که آزمایشی ، نظریه روحانیون را رد نموده و ثابت کرد که حیوان بیهوش شده و نمرده است . آن ها از تعدادی دام که برای ذبح بیهوش نموده بودند خون گیری نکرده و آن ها را به حال خود باقی گذارند . پس از مدت کمی ملاحظه نمودند که دام های مزبور از جای خود بلند شده و شروع به غذا خوردن کردند.

دکتر ثاقبی درباره روش های بیهوش کردن حیوان جهت ذبح می گویند: (سید ابراهیم

ثاقبی ، زنجیر کشتارگاه گاو در کشتارگاه جدید تهران ، ص ۹ و ۱۰)

عمل بی هوش کردن و گیج کردن حیوان در کشتارگاههای کشور های مختلف به طرق متعددی است که انواع آن عبارت است از :

الف) گیج نمودن از طریق فضای بین استخوان اطلس و قمحوده

ب) از راه استخوان پیشانی

ج) استفاده از گاز انیدرید کربنیک

د) استفاده از الکتریسیته

دکتر صحت در ادامه می نویسد:

موضوع مهمی که باید در نظر گرفت تطبیق روش الکتریکی با طرز کشتار مذهبی مسلمانان و کلیمی ها می باشد . قوانین اسلام و همین طور یهود ، اصرار دارند که قبل از سربردن ، نبایستی هیچ گونه زخمی در دام ایجاد شود. در کشور های اسکاندیناوی این موضوع مورد بحث قرار گرفته و کلیمیان مقیم کشور های مزبور

اجازه دارند که به وسیله برق ، حیوانات را بیهوش نمایند و سپس عروق گردن را طبق قوانین مذهبی قطع نمایند و هم چنین در کشور های اسلامی نیز اجازه بیهوشی به وسیله برق ، صادر شده ، چنانچه در ایران هم عمل می گردد.

دکتر حسن ولی در باره روش های نو کشتار طیور می نویسد:

در بی حسی الکتریکی خودکار ، نحوه عمل بدین صورت است که مرغ هایی که به چنگک خط متحرک آویزان است ، به یک دستگاه حمل می گردند که دارای یک صفحه برق دار می باشد . ارتفاع دستگاه را طوری تنظیم می کنند که مرغ ها سرشان از روی این صفحه عبور کند . یک مبدل نیز در دستگاه وجود دارد که یکی از قطب های آن به صفحه برق دار متصل است و قطب دیگر به خط متحرک ، موقعی که سر حیوان با صفحه برق دار تماس پیدا کرد ، اختلاف پتانسیلی بین ۱۵۰۰ - ۳۰۰۰ ولت (بر حسب تنظیم دستگاه) در مدار ، برقرار شده و در نتیجه بی حسی موقت به حیوان دست می دهد . در دستگاه دستی بی حسی الکتریکی نیز مبدل مشابهی چون مبدل دستگاه فوق وجود دارد که یک قطب مبدل به خط متحرک و قطب دیگر به دسته ای اتصال دارد که در دست کشتار کننده می باشد . در انتهای دسته ، یک دسته ، یک چاقو و در کنار آن یک تکمه قطع و وصل وجود دارد . هنگامی که تکمه را فشار دهیم ، جریان برق در تیغه چاقو ایجاد می شود و تماس تیغه چاقو با گردن حیوان ، جریان برق را در مدار ، برقرار کرده و شوک حاصله به واسطه جریان برق با ولت زیاد ، مرغ را بی حس می کند . بعد از ایجاد بی حسی ، با آزاد کردن تکمه با همان چاقو مرغ را از جلو گردن ، سر می برند. (اسماعیل حسن ولی ، روش نوین کشتار طیور ، ص

۲۲ و ۲۳)

بررسی های محدودی نیز با مصرف ایندیریدکربنیک و یا خوراندن بعضی مواد مخدر در آخرین غذای طیور ، جهت ایجاد بی حسی در طیور ، انجام گردیده و اگر چه نتایج بسیار خوبی در خیلی از موارد به دست آمده است ولی مدت طولانی وقت لازم داریم تا صنعت ، آن را قبول نماید.

دکتر اثنی عشری طی طرح روش بیهوشی با شوک الکتریکی ، پس از توضیح به کارگیری این روش با الکتروود می گوید :

.... و یا سرهای پرنده از داخل آبی که دارای شدت جریان مناسب می باشد ، پس از عبور نمودن سر های آن ها از محفظه آبی ، بیهوش می شوند (محمد یوسف اثنی عشری امیری ، کشتارگاههای صنعتی و سنتی طیور در اطراف تهران ص ۱۵)

دکتر رسولی پس از تقسیم روش کشتار ، به روش نیمه زنجیری و زنجیری که جدید ترین روش کشتار می باشد ، نوشته است: در این روش خون از بدن حیوان کاملاً خارج شده و این امر در وضع لاشه ، تاثیر خوبی دارد . علاوه بر آن گوشت با کیفیت بهتری تهیه می گردد . جدید ترین دستگاه الکترو شوک که برای بیهوش کردن دام ها در کشتارگاهها به کار می رود ، التر نامیده می شود که در آن تنظیم برق به طور خودکار صورت می گیرد. (محمد رضا رسولی ، مقایسه بهداشتی کشتارگاه قدیم و جدید بندر امام خمینی ، ص ۲۴ و ۲۶)

از بررسی نظریات متخصصان بر می آید که امروزه ، روش بیهوش کردن حیوان قبل از ذبح آن متداول و مرسوم شده است . بنابراین بررسی تفصیلی و مستدل انطباق یا عدم انطباق این روش با موازین شرعی ذبح ، ضروری می نماید.

بیهوش کردن حیوان قبل از ذبح در منابع فقهی

در روزگار ما گروههای طرفدار محیط زیست در کشورهای غربی فعالند، بسیاری از آنها درباره حقوق حیوانات حساسیت فراوان دارند و در این باره مقاله ها و کتابهای متعددی نوشته اند. از نکته هایی که این گروهها بر آن پای می فشارند - که البته جریان ذبح را نیز آسان می سازد - بی هوش کردن حیوانات قبل از ذبح است؛ زیرا این عمل سبب می شود حیوان درد کمتری احساس کند و رنج و سختی کشته شدنش کاهش یابد. به هر روی در زمان ما بی هوش کردن حیوانات قبل از ذبح در اغلب کشورهای جهان رایج شده است، از این رو بیان حکم شرعی آن لازم به نظر می رسد.

جایز بودن این عمل در کتاب «پژوهشی تطبیقی در احکام فقهی ذبح» به شرح اثبات شده و فقهای معاصر بی هوش کردن حیوان را پیش از ذبح جایز دانسته اند، مگر آن

که به مرگ قبل از ذبح منجر شود (پژوهشی تطبیقی در احکام فقهی ذبح، محمد رحمانی، ص ۳۵)

در گروهی از این روایات مهربانی به حیوانات در هنگام ذبح توصیه شده است:

۱- استحباب تیز کردن آلت ذبح تا ذبح به سرعت انجام گیرد و فرجام پذیرد و حیوان کم تر اذیت شود. در روایتی در این باره چنین آمده است: «احد الشفرة»؛ «آلت ذبح را

تیز کن (وسائل الشیعه، ج ۱۶، باب سوم از ابواب ذبح، حدیث ۲)

۲- با قدرت کشیدن چاقو و با قوت ذبح کردن تا ذبح با شتاب انجام شود و حیوان احساس درد کم تری کند. در روایتی در این باره چنین آمده است: «و یمرّ السکین

بقوه»؛ «چاقو را با قوت بر گلوی ذبیحه بکشد (همان)

۳- تسریع در ذبح تا حیوان زودتر از درد خلاص شود. شهید ثانی در این باره در

مسالک می نویسد:

«مستحب است تسریع در ذبح تا آسان تر انجام شود.» (مسالك الافهام، ج ۲، ص ۲۲۸)

شاید مستند این حکم شرعی روایاتی باشد که بر نیکی کردن به ذبیحه دلالت دارد.

روایتی است مشهور که از پیامبر خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - نقل کرده اند:

«خداوند نیکی کردن و احسان بر هر چیزی را بر شما واجب کرده است ... از این رو

هرگاه خواستید حیوانی را ذبح کنید ذبح را به نیکویی انجام دهید.» (همان)

۴- مکروه بودن ذبح حیوانی در برابر حیوانی دیگر. ذبح حیوان در برابر حیوانی دیگر

که او را می بیند مکروه است. در شرایع در این باره می نویسد: «و یکره ان یدبح

حیوان و آخر ینظر الیه.»؛

«ذبح حیوانی در حالی که حیوان دیگری به آن نگاه می کند، مکروه است.» مستند این

فتوا روایتی است که غیاث بن ابراهیم از امام صادق - علیه السلام - و ایشان از

جدشان امیرمؤمنان نقل کرده است (وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۵۸، باب ۷، ح ۱)

«لا تذبح الشاء عند الشاء و لا الجزور عند الجزور و هو ینظر الیه.» ذبح کردن حیوان در

حالی که حیوان دیگری به او نگاه می کند جایز نیست.

عبارت «لا تذبح الشاء» را چه به صورت نهی و چه به صورت نفی بخوانیم از ذبح

حیوان در حالی که حیوانی دیگر او را تماشا می کند نهی کرده است و ظاهر نهی بر

حرام بودن این گونه ذبح دلالت دارد. شاید به همین دلیل شیخ طوسی در «نهایه» این

عمل را حرام دانسته است.

فقهای معاصر شیعه و مراجع تقلید طبق این حدیث فتوا داده اند. به عنوان نمونه در

رساله یکی از مراجع تقلید معاصر در این باره چنین آمده است: (توضیح المسائل، آیت الله

العظمی فاضل لنکرانی، ص ۵۵۶، مسئله ۲۷۴۵)

«چند چیز در کشتن حیوانات مکروه است: اول در جایی حیوان را بکشد که حیوان دیگر آن را ببیند.»

۵- مکروه بودن چرخاندن چاقو در حلقوم حیوان. چرخاندن چاقو در حلقوم حیوان در هنگام ذبح سبب اذیت و درد بیشتر او خواهد شد و این عمل از مکروهات ذبح است و برخی از فقیهان آن را حرام دانسته اند. مستند این فتوا روایتی است که حمران ابن ابی اعین از امام صادق - علیه السلام - آن را نقل کرده است: (شرایع الاسلام، ص ۷۴۰)

«... و لا تقلب السکین لتدخلها تحت الحلقوم ...»

«چاقو را جهت داخل کردن در حلقوم، نچرخان.» (وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۱۴، باب ۳، ح ۲)

۶- مکروه بودن کندن پوست حیوان پیش از مرگ کامل. نباید پیش از آن که بدن حیوان سرد شود و روح آن به طور کامل از بدن خارج گردد حیوان را پوست کنند. شیخ در «نهایه» نوشته است که اگر پیش از آن، حیوان را پوست کنند خوردن گوشت آن حلال نیست. مستند این حکم نیز روایتی است که از حضرت رضا - علیه السلام - نقل شده است: (وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۱۴، باب ۸، ح ۱)

«إذا ذبحت الشاء و سلخت او سلخ شیء فیها قبل ان تموت لم یحل أكلها.»

«هرگاه حیوانی ذبح شود و همه یا بخشی از آن قبل از مرگ [کامل] حیوان پوست کنده شود، خوردن گوشت آن حلال نیست.»

ظاهر این روایت به روشنی بر حرام بودن کندن پوست حیوان پیش از خروج کامل روح آن، دلالت دارد، اما فقها از آن رو که این روایت ضعیف است حکم کراهت را از آن استنباط کرده اند.

۷- مکروه بودن کشتن حیوانی که ذابح آن را پرورش داده است. کشتن حیوانی که انسان خود آن را تربیت کرده و سالها با او انس داشته است به نوعی بی رحمی و نامهربانی به شمار می آید و در روایات از آن نهی شده و گروهی از فقها آن را مکروه دانسته اند (جواهر الکلام، ج ۳۶، ص ۱۳۸)

«عن ابی عبدالله - علیه السلام - قال: قلت له: الرجل یعلف الشاء و الشاتین لیضحی بها، قال: لا أحبّ ذلك. قلت: فالرجل یشتری الجمال او الشاء فیتساقط علفه من هیهنا و هیهنا فیجیبی ؤ الوقت و قد سمن فیذبحه؟ فقال: ولكن اذا كان ذلك الوقت فلیدخل سوق المسلمین ولیشتر فیها و یذبحه.»

«ابی صحاری می گوید به امام صادق - علیه السلام - عرض کردم: شخصی به یک یا دو گوسفند علف می دهد [آن ها را پرورش می دهد] تا برای قربانی از آنها استفاده کند. حضرت فرمود: این کار را دوست نمی دارم. عرض کرد: شخصی شتر یا گوسفندی را می خرد و برای او از این جا و آن جا علفه فراهم می کند تا این که زمان ذبح آن فرا می رسد و آن ها را سر می برد؟ حضرت فرمود: [چنین نکند] و هرگاه وقت انجام چنین کاری رسید داخل بازار مسلمانان شود و حیوانی بخرد و آن را ذبح کند.» (وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۳۷۴، باب ۲۰، ح ۲)

در روایت دیگری محمد بن فضیل از امام رضا - علیه السلام - چنین نقل کرده است: «قلت له: کان عندی کبش سمته لأضحی به فلما أخذته فأضجته نظر إلى فرحمته و رفقت له ثم إننی ذبحته، قال: فقال: ما كنت أحبّ لك أن تفعل؛ لا تربین شیئاً من هذا ثم تذبحه.»

«به حضرت رضا - علیه السلام - عرض کردم من برای قربانی روز عید اضحی قوچی را پرورش دادم چون او را گرفتم و به زمین زدم تا ذبح کنم. نگاهی به من کرد پس

با او مهربانی و مدارا کردم حضرت فرمود: دوست نداشتم چنین می کردی؛ نباید حیوانی را تربیت کنی آن گاه سرش را ببری.» (وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۳۰۸)

۸- مکروه بودن بریدن نخاع ذبیحه. سر حیوان باید به هنگام ذبح از ناحیه گلو بریده شود، نه از پشت سر، و در هنگام بریدن سر ذبیحه نباید این عمل به گونه ای انجام شود که نخاع حیوان صدمه بخورد و یا بریده شود. فلسفه این حکم به احتمال قوی آن است که ذبیحه اذیت می شود. از این رو باید صبر کند تا حیوان بمیرد و بدنش سرد شود، آن گاه سر او را از تن جدا کند.

محقق در شرایع در این باره چنین می نویسد:

«و یکره ... ان تنخع الذبیحه، قیل: فیها یحرم.»

«و مکروه است که نخاع ذبیحه را [پیش از سرد شدن بدن او ببری] و برخی از فقیهان گفته اند این عمل حرام است.» (شرایع الاسلام، ص ۷۴۰)

مستند این فتوا روایتی است که کلینی به نقل از جناب محمد بن مسلم از امام باقر - علیه السلام - نقل کرده است:

«استقبل بذبیحتک و لا تنخعها حتی تموت ...»

«ذبیحه ات را رو به قبله ذبح کن [و پیش از آن که بمیرد] نخاع آن را قطع مکن.»

(وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۵۸)

نیز در کافی در این باره چنین نقل شده است:

«و کان یحسن أن یدبح و لا ینخع و لا یقطع الرقبه بعد ما یدبح.»

«و شایسته است که حیوان ذبح شود و نخاع او بریده نشود و [بلافاصله پس از ذبح

قبل از مردن حیوان] سر از تن او جدا نگردد.» (کافی، ج ۶، ص ۲۲۳)

در روایت دیگری حلبی از امام صادق - علیه السلام - چنین روایت کرده است:

«لا تنزع الذبیحه حتی تموت و اذا ماتت فانزعها.»

«نباید پیش از آن که حیوان بمیرد نخاع او را ببری و سر از تنش جدا کنی. پس هر گاه حیوان مرد سر از تنش جدا کن و نخاع آن را ببر.» بدین سان بریدن نخاع حیوان پیش از آن که جان دهد برای او دردآور است و ذبح باید به گونه ای انجام شود که حیوان کمتر اذیت شود، به ویژه باید حرمت سر حیوان نگاه داشته شود و تا آن جا

که ممکن است سر او کمتر آزار ببیند. (وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۵۸، باب ۶، ح ۲)

در روایتی امام صادق - علیه السلام - چنین فرمود:

«... الرأس موضع لذكاء ... و أبعد من الأذی»

«... سر محل ذبح ... و دورتر است از اذیت و آزار.»

از مجموع این روایات و روایات مشابه و نیز روایات متعددی که درباره حقوق حیوان در مقاله های مختلف در فرهنگ جهاد آورده شده است استفاده می شود که مهربانی با حیوان در زمان حیات و به هنگام ذبح دست کم مستحب است و برخی از مصادیق این مهربانی در وقت ذبح حیوان در روایات و فتاوی فقها آمده است که فشرده ای از آنها نقل شد.

بی هوش کردن حیوان پیش از ذبح از مصادیق جدید این مهربانی به حیوان است و به احتمال قوی مشمول حکم استحباب می باشد.

هر کدام از این روایات گرچه به تنهایی نمی تواند استحباب بی هوش کردن حیوان قبل از ذبح را اثبات کند، اما از همه آنها روی هم رفته می توان ملاکی به دست آورد که عبارت است از استحباب مهربانی به حیوان قبل از ذبح که بی هوشی مصداق آن است. مسایلی که درباره استحباب مهربانی با حیوانات به هنگام ذبح آورده شد از

مسایلی است که فقها بدانها فتوا داده اند به عنوان نمونه ترجمه فتوای آیت الله حکیم را در منهاج الصالحین می آوریم:

«و مستحب است حیوان را پس از ذبح رها سازد [تا دست و پا زند] و آلت ذبح را تیز کند و با سرعت سر حیوان را ببرد و حیوان آلت ذبح را نبیند و ذابح رو به قبله بایستد و در هنگام ذبح حیوان را به این طرف و آن طرف نکشاند، بلکه رها کند تا در همان مکان بمیرد و حیوان را برای ذبح با مهربانی ببرد و پیش از ذبح آب را به او عرضه کند و کارد را با قوت بر گلوی حیوان بکشد [تا زودتر جان دهد و راحت شود] و در سرعت ذبح بکوشد و جدیت کند تا برای حیوان آسانتر باشد. از پیامبر خدا نقل شده است که فرمود: "خداوند متعال احسان و نیکی را در همه چیز بر شما واجب کرده است، پس هرگاه حیوانی را می کشید در کشتن و ذبح کردن به آن نیکی کنید و باید کارد خود را تیز کرده و ذبیحه را راحت کنید [کارد را تیز کنید و با کارد تیز سر حیوان را ببرید تا زودتر راحت شود و درد کمتری ببیند]" (منهاج الصالحین با حاشیه شهید آیت الله سید محمد باقر صدر، ج ۲، ص ۳۶۶)

نتیجه گیری :

در این تحقیق پس از مباحث مطرح شده در خصوص مباحث جدید مطرح شده در خصوص بکارگیری ابزار جدید در ذبح شرعی نتایج زیر به دست آمد:

لزوم استناد ذبح به انسان : در این که انسان ذبح را با ابزار انجام می دهد، تردیدی نیست. اشکال ناقد، از این جا نشات می گیرد که پنداشته، استفاده انسان از ابزار پیشرفته و پیچیده در ذبح، موجب سلب استناد آن به انسان می گردد و حال آن که چنین نیست. در استناد یک عمل به فاعل مختار، کافی است میان او و اراده اش، اختیار و اراده دیگری واسطه نگردد و تحقق عمل، وابسته به اراده او باشد.

کیفیت ادای ذکر نام خدا (تسمیه) : در این مبحث چند شبهه بررسی شد از جمله ادای تسمیه برای ذبح همزمان چند حیوان - ذابح در ذبح با دستگاه - تعدد ذابح و شرط تسمیه و حکم تسمیه با ضبط صوت که در تمامی این موارد به این جمع‌بندی رسیدیم که بهتر این است که تسمیه توسط شخص ذابح که در ذبح با دستگاه فردی است که دستگاه را جهت انجام عمل ذبح روشن می کند انجام پذیرد و تسمیه با ضبط صوت گرچه با نیت فاعل آن همراه است ولی کفایت تسمیه را نمی کند .

شرط استقبال در ذبح با ابزار جدید : روایات باب استقبال، که حاوی امر به استقبال ذبیحه به هنگام ذبح هستند، ظهور در وجوب آن دارند. در بعضی روایات از خوردن ذبیحه ای که با علم و عمد، رو به قبله، ذبح نشده، نهی شده است. اما اهل سنت استفاده و وجوب نکرده، حمل بر استحباب نموده اند. به نظر ما استقبال ذبیحه، شرعاً واجب بوده در صورت ترک آن، با علم عمد و اختیار، خوردن آن حرام خواهد بود. البته ترک استقبال به جهت فراموشی یا جهل به حکم یا موضوع و یا در صورت اضطرار، موجب حرمت نمی گردد.

فقهای ما استقبال ذابح را در مشروعیت ذبح، شرط نکرده و در کیفیت استقبال ذبیحه، بعضی، رو به قبله کردن مذبح (محل بریدن رگ ها) را کافی دانسته اند بیهوش کردن حیوانات قبل از ذبح : از مجموع آیات ، روایات ، نظرات فقهای بزرگ و فتاوی مراجع عظام استفاده می شود که مهربانی با حیوان در زمان حیات و به هنگام ذبح دست کم مستحب است و برخی از مصادیق این مهربانی در وقت ذبح حیوان در روایات و فتاوی فقها آمده است که فشرده ای از آنها نقل شد لذا این نتیجه حاصل می شود که بیهوش نمودن حیوان قبل از ذبح در صورتی که از زمان بیهوش شدن

ذبیحه تا انتقال آن نزد ذابح یا دستگاه ذبح ، علائم حیاتی آن که لازمه ذبح حلال می باشد باقی باشد ، اشکالی وارد نیست .

منابع و مأخذ

- ۱- آخوند خراسانی ، ملا محمد کاظم ، کفایه الاصول ، تهران ، نشر اسلامی ، ۱۳۶۳ش .
- ۲- ادیبی مهر ، محمد ، بررسی تطبیقی موازین شرعی فقه ، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی ، ۱۳۸۳ش
- ۳- انصاری ، شیخ مرتضی ، فرائد الاصول ، قم ، نشر مصطفوی ، ۱۳۷۴ق .
- ۴- حکیم ، سید محسن ، منهاج الصالحین ، ج پنجم ، نجف ، المطبعه العلمیه ، ۱۳۷۷ق و
- ۵- حلی (علامه) قواعد الاحکام ، تهران ؛ چاپ سنگی ، ۱۳۳۰ش .
- ۶- حلی (محقق) ، جعفر ، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام ، ج اول ، نجف ، مطبعه الادب ، ۱۳۸۹ق .
- ۷- رحمانی ، محمد ، پژوهشی تطبیقی در احکام فقهی ذبح ، مرکز مطالعات وزارت جهاد کشاورزی ، ۱۳۷۷ش .
- ۸- شهید ثانی ، مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام ، ج اول ، قم ، موسسه المعارف الاسلامیه ، ۱۴۱۷ق .
- ۹- عاملی ، شیخ حر ، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه ، بیروت ، دارالاحیاء التراث العربی ۱۹۶۷م و
- ۱۰- فضل الله ، سید محمد حسین ، الصيد والذباحه ، ج اول ، بیروت ، دار الملائک ، ۱۴۱۹ق .

- ۱۱- گروه فقها، توضیح المسائل مراجع مطابق بافتاوی دوازده نفر از مراجع معظم تقلید، قم .
- ۱۲- مجلسی، شیخ محمد باقر، بحار الانوار، ج اول بیروت، دارالاحیاء التراث العربی ۱۳۷۵ش.
- ۱۳- نجفی، شیخ محمد حسن، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، چ هفتم، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۹۸۱م.
- ۱۴- هاشمی، سید محمود، فصل نامه فقه اهل بیت، قم، ش اول، بهار ۱۳۶۴ش.
- ۱۵- قرآن کریم، سوره مائده (۳،۵) و سوره انعام (۶، ۱۸، ۱۴۵) و بقره (۲، ۱۷۳)
- ۱۶- ثاقبی، سید ابراهیم، زنجیر کشتارگا و درکشتارگاه جدید تهران؛ پایان نامه دکترا، دانشکده دامپزشکی، (به راهنمایی دکتر نشاط)
- ۱۷- حسن ولی، اسماعیل، روش نوین کشتار طیور، پایان نامه دکترا، دانشکده دامپزشکی، (به راهنمایی دکتر حسن علی نشاط).